

مشارکت والدین بُعد مغفول برنامه درسی

علیرضا عراقیه*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۸

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر تحلیل و تبیین مشارکت والدین به مثابه بُعد مغفول برنامه های درسی مدارس؛ روش پژوهش فراتحلیل و جامعه آماری شامل پژوهش ها و اسنادی بوده اند که با ملاک های پژوهش حاضر هماهنگی داشته و نمونه مورد مطالعه تعداد ۲۳ پژوهش بوده که با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند مورد بررسی قرار گرفته اند. سوالات اصلی این پژوهش عبارت بودند از اینکه ۱. استلزامات مشارکت اولیاء از دیدگاه سند چگونه است؟ ۲. استلزامات پژوهش های انجام شده در خصوص مشارکت اولیاء در برنامه های درسی چگونه است؟ ۳. موانع مشارکت اولیاء در برنامه های درسی کدامند؟ ۴. جایگاه مشارکت اولیاء در برنامه های درسی کجاست؟ بر اساس یافته های پژوهش حاضر، با وجود بدیهی و غیر قابل انکار بودن نقش مشارکت والدین در ثمر بخش بودن برنامه های درسی، این حقیقت از شدت وضوح قابل رویت نبوده و مشارکت والدین به مثابه بُعد مغفول برنامه های درسی مدارس محسوب می گردد. در پایان راهکارهای لازم در قالب پیشنهادات پژوهش ارائه شده است.

کلید واژه ها: مشارکت والدین، بُعد مغفول، برنامه درسی، اسناد بالادستی

مقدمه

مدرسه یکی از نهادهای تربیتی و آموزشی مهم است که نیازمند مشارکت اولیای دانش آموزان و دیگر سازمان هاست. شماری از نظریه پردازان بر این باورند که بیشتر کارهای مردم در سراسر جهان بر محور مشارکت می گردد و جلب همکاری خانواده نیز از عوامل اثر بخش تعلیم و تربیت است (وحدتی، حجت خواه، رشیدی، ۱۳۹۵). یکی از مشخصه های مدارس موفق استفاده حداکثری از مشارکت والدین است. به همین دلیل است که در کشورهای توسعه یافته، همکاری میان خانه و مدرسه به صورتی منسجم در آمده و این دو نهاد، مسئولیت مشترک خویش، یعنی تربیت فرزندان جامعه را با همفکری، همکاری و هماهنگی انجام می دهند. به طور کلی سهیم کردن خانواده ها در آموزش و پرورش موجب افزایش اطلاعات و آگاهی افراد، گسترش مشارکت در سایر زمینه های اجتماعی، افزایش احساس همبستگی با سایر والدین، احساس یگانگی بیشتر با سازمان، اعتماد افراد به سازمان ها، کاهش هزینه های فردی و سازمانی و افزایش اثر بخشی سازمانی خواهد شد (زنجانی زاده و همکاران، ۱۳۹۰). بنابراین فراگیری دانش در انحصار مدارس نیست و خانواده ها نیز می توانند به امر آموزش و مشارکت در برنامه های درسی و ارتقای عملکرد تربیتی دانش آموزان کمک نمایند (قدسی، بلالی و محبی میمندی، ۱۳۸۹: ۲۸).

مطالعاتی که در کشورهای گوناگون انجام شده است نشان می دهد که مشارکت خانواده دانش آموزان در برنامه های درسی عامل مهم و مؤثر در عملکرد تحصیلی آنان بوده است (گیسر، ۱۹۹۸؛ نتکان، ۲۰۱۸) ارتباط والدین با تعلیم و تربیت فرزندانشان در مدارس و برنامه های درسی به عنوان بنیادی ترین عنصر محسوب شده و تعامل دو جانبه آنها، بسیج منابع را به همراه خواهد داشت. این مشارکت سبب پیشرفت تحصیلی، بهبود فعالیت های مدرسه، افزایش حمایت جامعه از مدرسه اتم از حمایت های انسانی، مالی و منابع مادی خواهد بود. این حقیقت باید مورد پذیرش قرار گیرد که والدین در جریان طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه های درسی نقش آفرینان و بازیکنان غیر قابل انکاری هستند. والدین و معلمان در برنامه های درسی به یکدیگر احتیاج دارند و تحقیقات بیانگر آن است که جایگاه مشارکت والدین در برنامه های درسی باید مشخص باشد و صدای پدر و مادر به عنوان نخستین مربیان، معلمان و رهبران اثر بخش فرزندانشان باید در فرایند تعلیم و تربیت شنیده شود. مشارکت والدین در برنامه های درسی به این معنا نیست که والدین در همه چیز باید درگیر شوند بلکه

¹Geyser

²Ntekane

به این معنا است که والدین به اندازه کافی در فرایند برنامه‌های درسی نمایان شده و دیده شوند. والدین باید بدانند چه چیزی در مدرسه اتفاق می‌افتد و در فعالیت‌های آن مشارکت داشته باشند زیرا سهم مشارکت والدین می‌تواند زمینه شکست و یا موفقیت دانش آموزان را مشخص نماید. حضور والدین در اجرای برنامه‌های درسی سبب کاهش فشارهای روحی و استرس فرزندان خواهد شد. زیرا حضور والدین به دانش آموزان در مباحث مختلف یادگیری اعتماد به نفس داده و تحقیقات موید این موضوع می‌باشد (اورنشتاین^۱ و هانکینز، ۲۰۰۹ و مددلو، سعادت‌مند، یارمحمدیان، ۱۳۹۸)

ممکن است در ابتدا یکی از علل عدم علاقه والدین جهت مشارکت در برنامه‌های درسی به دلیل ضعف آگاهی آنان از تأثیر مشارکتشان در مدرسه باشد ولی زمانی که بدانند حضور آنان می‌تواند از نظر شناختی و عاطفی در پیشرفت فرزندان اثر بخش باشد و زمینه ساز رشد فکری بسیار چشمگیر دانش آموزان شود احساس مسئولیت نموده و نقش‌های مختلفی نظیر حامی، یادگیرنده، همیار، معلم و سیاست گذار را در برنامه‌های درسی بر عهده خواهند گرفت. الف) نقش حامی: والدین نزدیک‌ترین گروه به دانش آموزان هستند و از تجارب منفی و مثبت فرزندان خود آگاهی دارند و اصلی‌ترین گروهی هستند که باید در برنامه‌های درسی مشارکت داشته باشند (بلاغت، نقیب زاده، قادی و محمودنیا، ۱۳۸۹) و هرچه محتوای برنامه درسی با فرهنگ خانواده در ارتباط عمیق‌تر باشد، به دلیل تعلق دانش آموز به آن فرهنگ، بر میزان حمایت و رغبت والدین به‌دگر شدن با تعاملات مدرسه خواهد افزود (نوروزنژاد قادی و سراجی، ۱۳۹۵) و از آنجا که والدین از گروه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی و تخصص‌های مختلفی می‌باشند، در صورتی ایجاد فرصت‌ها دارند در چگونگی اجرای برنامه‌های درسی و تهیه امکانات و تجهیزات مورد نیاز مدرسه مشارکت نمایند.

ب) والدین به عنوان یادگیرنده: اطلاع رسانی صرف در خصوص نحوه عملکرد و یادگیری دانش آموزان نمی‌تواند به تنهایی کافی باشد. مهم‌تر آن است که با برگزاری کارگاه‌های آموزشی توسط معلمان به والدین، به آنان مهارت‌های مورد نیاز جهت یاری و کمک به فرزندان خود داده شود. ج) والدین به عنوان همیار: حضور والدین در اجرای برنامه‌های درسی سبب کاهش فشارهای روحی و استرس فرزندان خواهد شد. زیرا حضور والدین به دانش آموزان در مباحث مختلف یادگیری اعتماد به نفس داده و تحقیقات موید این موضوع می‌باشد (اورنشتاین و هانکینز، ۲۰۰۹) از سوی دیگر وقتی دانش آموزان مشارکت والدین خود را در نقش‌های مختلف در فضای کلاس درس، کتابخانه، بیان

^۱Ornesstein

تجربیات و غیره مشاهده می‌کنند هیجان زده شده و بر افزایش انگیزه آنان تأثیر می‌گذارد. دانش آموزانی که والدینشان در برنامه‌های درسی مدرسه مشارکت می‌کنند از یادگیری لذت برده و علاقه بیشتری از خود نشان داده (مددلو، سعادت‌مند، یارمحمدیان، ۱۳۹۸) و فعالیت‌های خود را به نحو انجام می‌دهند که والدینشان از آنان ناامید نشوند. د) والدین به عنوان معلم: دانش آموزان یادگیری را در ابتدا از والدین خود آغاز می‌نمایند و از این نقطه نظر پدر و مادر با آگاهی از تفاوت‌های فردی و استعدادهای فرزندان خود را با معلمان به اشتراک گذاشته و این تعامل یعنی مشاهده همکاری نزدیک والدین با معلمان، سبب لذت بردن دانش آموزان از فرایند یادگیری می‌شود. والدین به عنوان نخستین الگوی کودک مسئولیت زیادی در شکل‌گیری شخصیت فرزندان خود داشته و حمایت خوب آنان سبب می‌شود تا یادگیرندگان با رشد مثبت و خوبی همراه باشد (کلامب، ۲۰۲۰) در شرایط معکوس این وضعیت یعنی اشتغال بیش از حد والدین و نداشتن تعامل با معلمان سبب عدم آگاهی معلمان از تفاوت‌های فردی و سوابق قبلی دانش آموزان می‌گردد. در این شرایط یعنی عدم مشارکت والدین در برنامه‌های درسی، معلمان فعالیت‌های زیادی را انجام می‌دهند ولی به سبب اینکه از پیشینه فردی دانش آموزان اطلاعی ندارند، بدون توجه به تفاوت‌های فردی، کار را پیش خواهند برد. ه) والدین به عنوان سیاست‌گذار: والدین به دلیل درگیر بودن در تعلیم و تربیت فرزندان می‌توانند با همدلی و همکاری و ارائه تجربیات و اطلاعات خود در سیاست‌گذاری مدرسه مشارکت نموده و یا در گروه‌های برنامه درسی مدرسه شرکت کنند و با مشارکت خود سبب بهبود برنامه‌های درسی شوند. (ویلوکس^۲، ۱۹۷۲ و گیسر، ۱۹۹۸). ز) والدین در گروه‌های علاقمند: خانواده‌ها باید بخش فعالی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به برنامه‌های درسی فرزندان باشند. با این حال تحقیقات قابل توجهی بیانگر آن است که والدین احساس نمی‌کنند مدارس به همکاری آنها نیاز دارند. به ویژه والدین کودکان دارای نیازهای خاص می‌توانند یک گروه مورد علاقه ویژه تشکیل داده و علاوه بر بهره‌گیری از راهنمایی‌های معلمان از سخنرانی‌ها، فیلم‌ها و بحث‌های مختلف برای رفع نیازمندی‌های خود بهره بگیرند (لاو، زاگونا، کورت و میلر^۳، ۲۰۱۷). در مجموع می‌توان گفت: موفقیت در تعلیم و تربیت بدون مشارکت خانواده‌ها در زمینه‌های مختلف امکان‌پذیر نیست. زمانی فرزندان ما به اهداف عالی تربیتی و آموزشی دست خواهند یافت که هر دو نهاد خانه و مدرسه احساس مسئولیت کرده،

¹Kolambe²Wilox³Love, Zagona, Kurth, Miller

نسبت به وظایف خود هماهنگ عمل کنند و در تربیت دانش آموزان روش‌های یکسانی به کار گیرند. در اینجا چهار سؤال اصلی مطرح می‌گردد: ۱- استلزامات مشارکت اولیاء از دیدگاه سند چگونه است؟ ۲- استلزامات پژوهش‌های انجام شده در خصوص مشارکت اولیاء در برنامه‌های درسی چگونه است؟ ۳- موانع مشارکت اولیاء در برنامه‌های درسی کدامند؟ ۴- جایگاه مشارکت اولیاء در برنامه‌های درسی کجاست؟

روش پژوهش:

روش پژوهش حاضر فراتحلیل و جامعه آماری شامل پژوهش‌ها و اسنادی بوده اند که با ملاک‌های پژوهش حاضر هماهنگی داشته و نمونه مورد مطالعه شامل تعداد ۲۳ پژوهش در بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸ بوده که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته اند. در این مقاله ابتدا بر اساس هدف اصلی پژوهش، مساله تحقق به روشنی تعریف شده و سپس از بین مطالعات موجود، تعداد ۲۳ مورد که با ملاک‌های پژوهش حاضر هماهنگی داشته اند نمونه‌گیری به عمل آمده و یافته‌های در قالب پاسخ با ۴ سوال اصلی پژوهش ارائه شده است.

یافته‌ها:

در خصوص نقد سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران تحقیقات متعددی انجام شده است (مهر محمدی، ملکی، موسی پور، حسنی، احدی، گویا، صادق زاده، صادقی، ۱۳۸۹). در این میانسوالی که مطرح می‌گردد آن است که استلزامات مشارکت اولیاء از دیدگاه سند چگونه است؟ در خصوص استلزام ایفای نقش خانواده، در برنامه درسی از منظر اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش شامل سه سند " برنامه درسی ملی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مبانی نظری تحول بنیادین " در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی نتایج تحقیقات (مظاهری، موسی پور و ناطقی، ۱۳۹۵) بیانگر آن است که در اسناد فوق ۲۵ گزاره به منزله اصول حاکم بر جایگاه و ضرورت دخالت خانواده در نظام آموزشی به ویژه برنامه درسی مطرح شده است. پس از آن ۱۷ گزاره به مشارکت آنها در اجرای برنامه درسی، ۱۲ گزاره به تولید (طراحی و تدوین) برنامه درسی و ۱۰ گزاره نیز به ارزشیابی برنامه درسی اختصاص داده شده که در قالب ۵ دسته قابل تحلیل و ارائه می‌باشد: الف- نقش خانواده در تولید (طراحی و تدوین) برنامه درسی. وزارت آموزش و پرورش موظف است از مشارکت حداکثری خانواده‌ها برای طراحی و اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های خارج از کلاس و مدرسه بهره بگیرد (برنامه درسی ملی: ۴۸)

و با وجود ورود کودکان به مدرسه، مسئولیت تربیت همچنان به دوش والدین بوده و تداوم تکلیف والدین در همه مراحل تربیت اجتناب ناپذیر است (برنامه درسی ملی: ۲۱۸) و در مواردی مانند تدوین مقررات آموزشی و برنامه‌ها و انتخاب محتوا و تهیه منابع آموزشی و کمک آموزشی، تأمین هزینه‌ها و نحوه مصرف اعتبارات، جلب مشارکت مادی و معنوی والدین ضروری است (برنامه درسی ملی: ۳۱۸) و می‌تواند در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های نظام تربیت رسمی و غیر رسمی مشارکت داشته باشد (برنامه درسی ملی: ۳۱۸) و بنابراین در این نگرش، خانواده و مدرسه دو فضای تربیتی مکمل همدیگر خواهند بود و لازم است با معلمان و مدیریت مدرسه ارتباط مستمر داشته و حق خانواده به مثابه یکی از ارکان تربیت رعایت گردد (سند برنامه درسی ملی: ۲۹۸). حقوق والدین عبارت است از حق انتخاب نوع تربیت در چارچوب فلسفه تربیتی جامعه، حق مشارکت در مدیریت نظام تربیت رسمی و عمومی در حد توانایی و صلاحیت، حق مشارکت در جریان تربیت فرزندان و حق نظارت بر نظام تربیت رسمی و غیر رسمی (سند برنامه درسی ملی: ۲۱۴). ب- نقش مشارکت خانواده در اجرای برنامه درسی. وزارت آموزش و پرورش مسئولیت زمینه‌سازی لازم برای هدایت و غنی‌سازی زبان غیر رسمی تعلیم و تربیت در خانه، مدرسه و خارج از مدرسه را بر عهده دارد (برنامه درسی ملی: ۴۸) و لازم است از ظرفیت مشارکت خانواده در برنامه‌های آموزشی و تربیتی بهره‌گیری نماید (سند تحول بنیادین: ۲۱) و خانواده نیز نمی‌تواند نسبت به اهداف، برنامه‌ها و اقدامات تربیتی انجام یافته نسبت به فرزندان خویش بی‌توجه باشد. به این ترتیب خانواده نه تنها در پشتیبانی و اجرای طرح‌های تربیتی، بلکه در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و به ویژه ارزشیابی از برنامه‌ها و اقدامات فرایند تربیت باید مشارکت فعال داشته باشد (برنامه درسی ملی: ۱۸۲). ج- نقش خانواده در ارزشیابی برنامه درسی، ملی‌بودن و ورود کودکان به مدارس و همچنین واگذار شدن هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت، ارزشیابی و اصلاح نظام تربیت رسمی به دولت، مسئولیت تربیت همچنان به دوش والدین است (مبانی نظری تحول بنیادین: ۲۱۸) و از جمله مواردی که لازم است خانواده، در آن مشارکت داشته باشند، ارزشیابی از برنامه‌ها و اقدامات در فرایند تربیت می‌باشد (مبانی نظری تحول بنیادین: ۱۸۲). د- نقش خانواده در تحقق اهداف برنامه درسی. با عنایت به تالازم حق و تکلیف در دیدگاه اسلامی، مشارکت والدین در مدیریت تربیت رسمیه عمومی حق آنهاست و دولت اسلامی موظف است در استیفای این حق بکوشد و سازوکارهای آن را فراهم آورد (مبانی نظری تحول بنیادین: ۳۱۷) زیرا یکی از نهادهای اجتماعی مؤثر و بنیادی در انواع تربیت، به ویژه در سنین کودکی

و نوجوانی، نهاد خانواده است و لذا خانواده در هر حال نقشی انکار ناپذیر در فرایند تربیت دارد. ۵- نقش مشارکت خانواده در فرایند برنامه درسی. توجه به محوریت نقش خانواده در تدوین و اجرای برنامه‌های تربیتی ضروری است (مبانی نظری تحول بنیادین: ۳۵۰). در واقع نهاد خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی و در عین حال مهم‌ترین و تأثیرگذارترین واحد تربیتی در جوامع برای تربیت فرزندان است (مبانی نظری تحول بنیادین: ۲۲۳) و بنابراین مسئولیت اولیه و اصلی تربیت کودکان با والدین است (مبانی نظری تحول بنیادین: ۲۱۴) و دولت نقش مکمل و ناظر را بر عهده دارد. مساله‌ی دیگری که در این بین مطرح است آن است که: استلزام پژوهش‌ها ی انجام شده در خصوص مشارکت اولیاء در برنامه درسی چگونه است؟ در کاوش در خصوص این مساله می‌توان گفت: برنامه درسی همواره به عنوان مهم‌ترین فرایند و فرصت‌های یادگیری است که در مدرسه اتفاق افتاده و کسانی که تحت تأثیر هر گونه تغییر در اثر برنامه درسی قرار دارند می‌بایست به عنوان ذی‌نفعان برنامه درسی محسوب می‌گردند. بنابراین خانواده باید در طراحی برنامه درسی، اجرا و انتشار برنامه درسی حضور اثر بخشی داشته باشد زیرا می‌تواند فرایند تعلیم و تربیت را حمایت نموده و سبب افزایش کیفیت برنامه درسی و ارتقاء انگیزه دانش‌آموزان شود. بنابراین والدین به عنوان عضو مؤثری از جامعه قادرند از عوامل تعیین‌کننده در اجرای برنامه درسی محسوب گردند. حمایت آنان می‌تواند سبب پیشرفت تحصیلی، بهبود فعالیت‌های مدرسه، افزایش حمایت جامعه از مدرسه شود. همچنین مشارکت والدین می‌تواند نقش مؤثری در شکست یا موفقیت برنامه‌های درسی داشته باشد. بنابراین نه معلمان و نه والدین به تنهایی نمی‌توانند دانش‌آموز را به اندازه کافی تحت آموزش قرار دهند. هر کدام جایگاه خود را داشته و کیفیت آموزش و تدریس در مدارس فقط می‌تواند با بهبود کیفیت همکاری بین والدین و معلمان ارتقاء یابد. افزایش مشارکت والدین سبب می‌گردد تا مدرسه سطح بالاتری از موفقیت را تجربه کند. در صورتی که به والدین فرصت داده شود آنان می‌توانند به ارتقاء کیفیت آموزش کمک کنند، می‌توانند باعث پیشرفت شوند و در معلمان و دانش‌آموزان انگیزه ایجاد نمایند. وقتی والدین در برنامه‌های درسی مشارکت می‌کنند، دانش‌آموزان در مدرسه موفق تر هستند، اعتماد به نفس و رضایت شغلی معلمان افزایش می‌یابد (گاست، ۲۰۱۶)، مدرسه از انجام فعالیت‌ها و تکالیف دانش‌آموزان در خانه اطلاع یافته و به آنها کمک می‌شود که منسجم تر و سازمان یافته تر عمل کنند. همچنین پژوهش‌ها بیانگر آن است که مشارکت والدین سبب بهبود عملکرد تربیتی دانش

آموزان، افزایش اعتماد به نفس آنان، ارتقاء مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی شده است (نتکان؛ ۲۰۱۸).

نتایج برخی پژوهش‌ها نیز از مشارکت والدین در فرایند برنامه درسی به عنوان کلید موفقیت نام برده (چن؛ ۲۰۱۸) و راهکارهایی را به شرح ذیل بیان می‌کنند:

۱- هر چه والدین تعامل و حضور بیشتری در برنامه‌های درسی داشته باشند؛ دانش آموزان پیشرفت تحصیلی بالاتری خواهند داشت .

۲- مشارکت خانواده، نه تنها عملکرد تحصیلی را تقویت می‌کند بلکه در نگرش و رفتار دانش آموزان نیز مؤثر است.

۳- خانواده‌ها باید از دوره پیش از دبستان تا متوسطه درگیر برنامه‌های درسی فرزندان خود باشند. با اذعان به این نکته که دانش آموزان بخش عمده ای از زمان خود را در خانه سپری می‌کنند و فرایند یاددهی - یادگیری آنها در خانه تکمیل می‌شود، بنابراین نیاز است والدین و مدارس مشارکت بیشتر و بهینه تری داشته باشند تا با مشارکت بهینه آموزش و پرورش قادر باشد که در راستای توسعه کشور، گام‌های مهمتر و ارزشمند تری بردارد.

در بحث موانع مشارکت اولیاء در برنامه‌های درسی فرزندشان نیز می‌توان گفت بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته نتایج نشان داده است که مشارکت‌های والدین دانش آموزان در مدارس همواره با مشکلاتی مواجه بوده و بنا به دلایلی از جمله عدم آگاهی و شناخت والدین، برخورد نامناسب مسئولین مدارس، عدم توانایی معلمان در جلب مشارکت والدین و سایر مسائل اقتصادی، فرهنگی و ... مؤثر و مفید واقع نگردیده است. عدم برخورداری والدین از مهارت و تجربه لازم جهت مشارکت در امور مدرسه و عدم آگاهی با نحوه مشارکت مؤثر یکی از موانع و مشکلات عمده ای است که در این زمینه وجود دارد و در تحقیقات مختلف به آن اشاره شده است. بنابراین یکی از راه‌های ممکن، برای دستیابی به هدف مهم افزایش ارتباط اولیاء با معلمان و مربیان و مشارکت هرچه بیشتر آنان در امور مدارس که به رشد بیشتر تعلیم و تربیت و هماهنگ سازی آن با تغییرات پرشتاب جامعه منجر می‌شود، این می‌تواند باشد که پژوهشگران و مسئولین امر به بررسی و شناسایی موانع موجود اثر گذار در امر مشارکت والدین پرداخته تا از این طریق بتوانند با حذف این موانع، زمینه مشارکت حداکثری والدین در مدارس را فراهم آورند. بدیهی است که رشد و توسعه آموزش و پرورش در هر

¹Netkane

²CHen

جامعه ای مستلزم شناسایی و از میان برداشتن موانعی است که بر سر راه مشارکت مردم و والدین در این امر مهم و حساس وجود دارد. در واکاوی محدودیت‌های مشارکت والدین در برنامه‌های درسی وجود موانع مختلفی نظیر عوامل مرتبط با مدرسه، عوامل مرتبط با والدین و عوامل مرتبط با دانش آموزان گزارش شده است (زارعی، دهقانی، صالحی و محمدی پویا، ۱۳۹۸). برخی پژوهش‌ها نیز با شناسایی موانع مشارکت والدین در امور مدارس و برنامه‌های درسی، آنها را در سه دسته ۱- موانع فکری و نگرشی: یکی از عمده موانع مشارکت در کشور ما، ناشی از کاستی در اندیشه هاست. عدم احاطه و تسلط فکری، نبود اندیشه‌های ورزیده، وسیع و عمیق فلسفی و فکری در باب ابعاد و جوانب مختلف موضوع تعلیم و تربیت، همچنین نبود نگرش و باور نسبت به مزایا و محاسن شرکت و مداخله اندیشه‌ها و تفکرات افرادی بیرون از پست‌های رسمی و اداری سیستم آموزش و پرورش (والدین)، این نظام را در محاق تصمیم شمار معدودی از تصمیم گیران خاص که در مرکز این سیستم متمرکز قرار دارند، نگه داشته، آن را از نعمت وجود پتانسیل علمی، فکری و تخصصی والدین با انگیزه و متعهد نسبت به آموزش و تربیت فرزندان خود، محروم ساخته است. ۲- موانع ساختاری: نظام آموزشی کشور ما، نظامی است متمرکز، بدین معنا که سیاست گذاری‌ها و اتخاذ تصمیمات آموزشی و تربیتی، توسط گروهی کارشناس و خبیره که اکثر آنها صاحب‌نظران تعلیم و تربیت و فرهنگ نیز می‌باشند، انجام می‌گیرد و سپس این تصمیمات به سازمان‌های آموزشی استان‌ها، برای اجرا، ابلاغ می‌گردد. از جمله اقداماتی که به گسترش مشارکت می‌انجامد، رفع کاستی‌های ناشی از سیاست گذاری‌های کلان اداری و آموزشی و نیز اصلاح قوانین و مقررات فعلی، در راستای قبول و پذیرش والدین در نظام آموزشی است. ۴- موانع مربوط به منابع انسانی: امروز سخن از مدیران اثر بخش است و از مهمترین ویژگی‌های مدیران اثر بخش خلاقیت، نوآوری و تحول پذیری این گروه از مدیران و نیز انتخاب و اعمال شیوه‌های مشورتی و مشارکتی برای تصمیم گیری‌ها و اجرای امور در سازمان متبوع خود است. هر زمانی که مدیری از خود انعطاف و شایستگی برای عمل مشارکتی نشان داده است، بدون توجه به سایر موانع، کارها نسبتا پیش رفته است. از موانع دیگر مشارکت، می‌توان به اعتماد ناکافی مدیران آموزشی نسبت به مردم، به ویژه صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت و اهل فن، کاستی در عملکردهای درونی و بیرونی آموزش و پرورش، برنامه‌ها و اهداف آن، نابسامانی و موازی کاری در واحدهای اداری ذی ربط برای جلب مشارکت والدین نظیر برنامه‌های سازمان انجمن اولیاء و مربیان، سازمان توسعه و نوسازی مدارس، معاونت مشارکت‌های مردمی وزیر و ...، تخصیص بودجه و منابع

ناکافی به فعالیت‌ها و برنامه‌های آموزشی و تربیتی، بی‌توجهی و عدم توانایی مدیران در بهره‌برداری از پتانسیل‌های سازمان‌های غیردولتی و ضعف در اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی به افراد جامعه اشاره نمود (گوهری، جمشیدی و بیدختی، ۱۳۹۳). همچنین در خصوص جایگاه مشارکت اولیاء در برنامه‌های درسی بر اساس نتایجی که از موانع مشارکت اولیاء در وضعیت موجود به دست آمده است حقیقت بیانگر آن است که مقدمات و پیش‌نیازهای ضروری از طرف دولت برای مشارکت اولیاء در برنامه‌های درسی به میزان کافی وجود ندارد. از طرفی موانعی چون "کمبود وقت والدین، شاغل بودن، فاصله و درگیر بودن با کارهای روزمره"، "بی‌اطلاعی اولیاء از وظایف خود"، "متمركز بودن نظام آموزش و پرورش" و از نظر معلمان موانعی چون "مشکلات خانوادگی مثل طلاق، فوت پدر یا مادر، اختلافات خانوادگی و ..."، "کمبود وقت والدین، شاغل بودن، فاصله و درگیر بودن با کارهای روزمره" و "عدم شناخت اولیاء از اهداف و کارکردهای مدرسه" و از نظر والدین موانعی چون "تغییرات سریع برنامه‌های درسی و آموزشی و عدم شناخت والدین و ناتوانی آنها در تطبیق با برنامه‌ها"، "وضعیت نامناسب اقتصادی خانواده‌ها"، "ساختار نظام آموزشی کشور"، "عدم شناخت اولیاء از اهداف و کارکردهای مدرسه" و "عدم نهادینه‌سازی فرهنگ مشارکت در جامعه" از مهمترین موانع مشارکت والدین می‌دانند.

بحث و نتیجه‌گیری

با وجود استلزامات پژوهشی و تأکید اسناد از منظر سند برنامه درسی ملی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مبانی نظری تحول بنیادین در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی و ۷۱ گزاره شناسایی مبنی بر ضرورت مشارکت و تعامل خانواده‌ها در مراحل مختلف فرایند برنامه درسی فرزندان‌شان که حتی به منزله تکلیف و وظیفه شرعی و قانونی آنها تبیین شده است (مظاهری، موسی پور و ناطقی، ۱۳۹۵) و بر حق خانواده در سیاست‌گذاری و مشارکت در آموزش و پرورش تأکید نموده است (علم‌الهدی، ۱۳۸۶). یافته‌ها حضور و مشارکت خانواده در برنامه‌های درسی را کافی ندانسته و بر ضرورت وارد شدن خانواده‌ها در جریان تعلیم و تربیت و برنامه‌های درسی در صورت کافی نبودن منابع و اقدامات دولت تأکید دارد. همچنین با وجود آنکه کسب توافق ذی‌نفعان از شواهد توفیق یک برنامه محسوب می‌گردد، لکن برخی تحقیقات بیانگر آن است که روح حاکم بر اسنادی به ویژه در برنامه درسی ملی رویکرد مهندسی بوده و تحقق امور از پیش تعیین شده و جایی برای شدن و

رویدن اختصاص نمی‌دهد (موسی پور و صابری، ۱۳۸۹: ۷۴). و اگر چه مبانی برنامه درسی ملی استفاده از رویکرد تربیتی است و حتی رویکرد مهندسی با آرمان طلبی‌های نظام‌های متمرکز سازگاری دارد، اما به کارگیری آن مانع مشارکت ذی نفعان می‌شود.

با وجود تأکید اسناد بر مشارکت خانواده‌ها، لکن اجرای برنامه مستلزم کسب توافق ذی نفعان، تدارک امکانات و نظارت است. گرچه برای اجرای اسناد مانند سند برنامه درسی ملی تقویت احساس تعلق مجریان مد نظر قرار نگرفته و توافق ذی نفعان نیز موضوعیت ندارد. تدارک امکانات مسأله محسوب نشده و این بدان معناست که صدور دستور منجر به اجرای برنامه می‌شود.

وقتی ما برنامه درسی را یک سند از پیش آماده شده در نظر بگیریم، مشارکت والدین که جزئی از برنامه مکتوب نمی‌باشند، امکان پذیر نیست. اما در صورتی که در کنار برنامه درسی به عنوان سند، فرصتی را برای برنامه روئیدنی که غالباً نادیده گرفته می‌شود، در نظر بگیریم، می‌توانیم زمینه پرورش ابعاد روان شناختی، اجتماعی و عاطفی بین معلمان و دانش آموزان را نیز فراهم نماییم. اگرچه والدین علاقمند به مشارکت در برنامه‌های درسی و مدارس بوده و استلزامات پژوهشی و اسنادی آن را نیز برشمردیم، لکن این اتفاق بدون فراهم کردن اقتضانات اجرایی و آموزش‌های مربوطه میسر نمی‌شود. استلزامات پژوهشی نیز مؤکد بر لزوم مشارکت خانواده در برنامه‌های درسی می‌باشد. به نظر والدین فضای مدرسه به لحاظ فیزیکی و روانی آثار مخربی بر بچه‌ها دارد. فضای فیزیکی مدرسه بسیار بسته است. نتایج برخی تحقیقات متکی بر دیدگاه والدین نسبت به نظام مدرسه بیانگر ویژگی‌های ذیل می‌باشد: تمرکز نظام آموزشی، عدم توجه به تفاوت‌های فردی، عدم شکوفایی استعدادها، عمیق نبودن یادگیری، تأکید بر حفظیات، سرکوب استعدادهای بچه‌های قوی، عدم علاقه بچه‌ها به مدرسه، رابطه یکسویه مدرسه و خانه، عدم مشارکت والدین در آموزش، عدم توجه به برنامه‌های درس زبان، موسیقی و ورزش در مدرسه، فضای فیزیکی محدود مدرسه، خشکی انضباط مدرسه، انتخاب ناشی از اضطراب (عطاران و ملکی، ۱۳۹۲). نتایج توجه نکردن به مشارکت والدین در برنامه‌های درسی زمینه تفکر در مورد طرح‌هایی نظیر آموزش در خانه را برای والدین فراهم نموده است. برخی تحقیقات بیانگر آن است که برخی والدین که از طبقه متوسط و متوسط به بالای جامعه ایرانی است از آموزش و پرورش کشور که متمرکز است و به خواسته‌های این طبقه بی‌اعتناست، ناخرسند است. والدین ایرانی طبقه متوسط شهری مایلند در تربیت فرزندانشان نقش فعال‌تری را ایفا نمایند.

پژوهش عطاران و ملکی (۱۳۹۲) همچنین نشان می‌دهد که نظام متمرکز مدارس ایران، از منظر جامعه پژوهش نظام پاسخگو به نیازهای والدین نیست و والدینی که از امکانات مادی و آموزشی برخوردارند در مواردی جرأت می‌کنند و خود و فرزندانشان را از چرخه نظام رسمی خارج می‌کنند. اگرچه این روند در مراحل ابتدایی آن قرار دارد و به صورت ناآشکار صورت می‌گیرد ولی برای نظام رسمی آموزش و پرورش ایران که برای خود رسالت اعتقادی قائل است، چندان خوشایند نیست. برای آنکه والدین قادر باشند به صورت حرفه‌ای در برنامه‌های درسی مشارکت نمایند، می‌بایست دستورالعمل و ضوابط لازم در خصوص چگونگی مشارکت والدین تدوین گردد (اولی بای، ۲۰۱۴). همچنین مدارس و مربیان باید موانعی که مانع مشارکت والدین در برنامه‌های درسی فرزندانشان می‌شوند را شناسایی و درک نمایند. بسیاری از والدین به دلیل تجربیات شخصی که خاطرات تلخی از دوران مدرسه در ذهن آنان بر جای گذاشته است تمایلی به همکاری با مدرسه ندارند. برخی از والدین نیز به دلیل تجربیاتی که برای فرزندانشان در مدرسه اتفاق افتاده و یا نحوه برخورد منفی که توسط مدرسه به وقوع پیوسته است حاضر به مشارکت نیستند. مشغله‌ها و مشکلات اقتصادی نیز فرصت مشارکت را از والدین گرفته (فیندرز، ۱۹۹۴) و از جمله موانع محسوب می‌گردند. این در حالی است که از اقتضائات اجرایی برنامه درسی در مدرسه، مشارکت والدین می‌باشد، لکن زیر ساخت‌های مشارکت با موانع اجرایی مبتلا به می‌باشد. این موانع در دو بخش مشهود می‌باشد:

الف) موانع کلی مانند:

- ۱- فقدان انگیزه مشارکت
- ۲- نبودن بسترهای فرهنگی لازم
- ۳- ساختار بروکراتیک
- ۴- روشن نبودن جایگاه مشارکت در بدنه ساختار مدارس

ب) موانع اختصاصی مانند:

- ۱- عوامل سیاسی و قدرت مسئولین به این معنا که مدیران ارشد خود را توانا تر از این می‌دانند که نیاز به مشارکت والدین داشته باشند و آمادگی کافی برای اجرای طرح را ندارند.
- ۲- عامل ساختاری و امکاناتی نظیر فقدان پشتوانه نظری، روشن نبودن هدف‌ها، راهکارهای

عملیاتی

¹Olibie

²Finders

- ۳- عامل اطلاعاتی: توجیه نشدن مدیران و مسئولان در تمام سطوح
- ۴- عامل فرهنگ: عدم آگاهی والدین و ضعف در همکاری با مدرسه
- ۵- عامل مدیریتی: ایجاد محدودیت و بستن دست و پای مدیر در فرایند مدیریت و عادت مدیران به دریافت بخشنامه از بالا و محدودیت مدیران زبده و شایسته و همچنین می‌توان اذعان نمود کمبود اعتماد به نفس در مدیران و عدم تمایل به ترک روش‌های اجرای سنتی از دیگر موانع جلب مشارکت والدین محسوب می‌شود.
- در بحث راه حل‌های کاربردی، فرایندی و عملیاتی برای جذب مشارکت اولیاء می‌توان گفتشما نمی‌توانید والدین را مجبور کنید که در فعالیتهای تربیتی فرزندشان نقش داشته باشند، اما می‌توانید آنان را تشویق نموده و واین فرایند را تسهیل کنید. با هدف بهبود مشارکت والدین در برنامه درسی، محیط و فضای مدرسه باید دعوت کننده باشد و معلمان آموزش‌های لازم را برای جلب مشارکت احتمالی والدین به ویژه در ایام پاندومی کرونا ببینند. اگر مدرسه طرح و برنامه ای برای والدین ندارد، می‌بایست کادر مدرسه فعال شده و با هدفگسترش تصورات مثبت در والدین نسبت به فواید تعامل در برنامه‌های درسی به عنوان کلید موفقیت دانش آموزان، اولیاء را متقاعد نمایند. در این خصوص می‌توان با اجرای طرح‌های مبتکرانه و پیشنهاد فرصت‌هایی برای ارتباط والدین با مدرسه و یا انجام مصاحبه‌های فردی با تک تک والدین توسط کادر مدرسه و یا به تفکیک توسط اعضاء منتخب انجمن اولیاء و مربیان، نسبت به ایجاد انگیزه در افراد و تعامل مطلوب تراقدام نمود. لازم است مدارس و اولیاء دانش آموزان را در برنامه ریزی و فعالیت‌ها و انتخاب اولویتهای مدرسه مشارکت دهند و از توانمندی‌های تخصصی و مهارتی آنان در جهت تصمیم گیری و اجرای تصمیمات در جهت بهبود فرایند تعلیم و تربیت بهره بگیرند. والدین از حق نظارت بر عملکرد مدرسه و نقد و ارزیابی آن برخوردار شده و نسبت به سرنوشت مدرسه احساس مسئولیت کنند و در تحولات آن مشارکت فعال داشته باشند (جعفری مقدم و فانی، ۱۳۸۱).

کتابنامه

- احدی، آمنه. (۱۳۸۹). بررسی سطوح و مقاطع کلیدی در برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی از منظر یافته‌های علم روان‌شناسی. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، دوره ۵، شماره ۱۸، ۱۴۶-۱۲۰.
- برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۱). شورای عالی آموزش و پرورش. تهران: رشد.
- بلاغت، سید رضا؛ نقیب زاده، میر عبدالحسین؛ قائدی، یحیی؛ محمدنیا، علیرضا. (۱۳۸۹). بررسی مشارکت والدین در مدارس به مثابه یکی از مولفه‌های دموکراسی در آموزش و پرورش. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، سال ۷، شماره پیاپی ۹، ۱۰۱-۱۲۶.
- جعفری مقدم، سعید؛ فانی، علی اصغر. (۱۳۸۱). طراحی نظام مدیریت مدرسه محور در ایران. *مدرس علوم انسانی*، شماره ۲۶، ۱۶-۱.
- حسینی، محمد. (۱۳۸۹). نقد الگوی هدف گذاری سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، دوره ۵، شماره ۱۸، ۱۱۹-۸۹.
- زارعی، احمد؛ دهقانی، مرضیه؛ صالحی، کیوان؛ محمدی پویا، سهراب. (۱۳۹۸). شناسایی راهبردهای موجود جلب مشارکت والدین در مدارس متوسطه؛ با تأکید بر ابعاد مشارکتی اپستین. *فصلنامه علمی اندیشه‌های نوین تربیتی*. شماره پیاپی ۵۳.
- زنجانی زاده، هما؛ دانائی سیج، مجید؛ سلیمی نژاد، مهدی. (۱۳۹۰). بررسی میزان مشارکت خانواده‌ها در مدارس استان خراسان رضوی و عوامل موثر بر آن. *مجله جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، شماره ۱، ۱۰۱-۷۱.
- صادق زاده، علیرضا. (۱۳۸۹). بررسی و نقد فلسفی برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس فلسفه تربیت اسلامی و دلالت‌های آن. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، دوره ۵، شماره ۱۸، ۱۸۸-۱۶۵.
- صادقی، علیرضا. (۱۳۸۹). بررسی سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس رویکرد آموزش چندفرهنگی. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، دوره ۵، شماره ۱۸، ۲۱۴-۱۸۹.
- عطاران، محمد؛ ملکی، صغری. (۱۳۹۲). آموزش در خانه: بدیل مدرسه. *دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی*، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان ۹۲، ۴۶-۲۷.
- علم الهدی، جمیله. (۱۳۸۶). *فلسفه تعلیم و تربیت رسمی*. تهران: سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
- قدسی، علی محمد؛ بلالی، اسماعیل؛ محبی میمندی، مجتبی. (۱۳۸۹). نقش سرمایه اجتماعی والدین در عملکرد تحصیلی فرزندان. *مجله خانواده و پژوهش*، شماره ۹، ۴۹-۲۵.
- گوهری، زهره؛ جمشیدی، لاله؛ امین بیدختی، علی اکبر. (۱۳۹۳). شناسایی موانع مشارکت والدین در امور مدارس مقطع ابتدایی شهرستانمان. *مجله مطالعات برنامه ریزی آموزشی*، دوره ۴، شماره ۷، ۱۶۲-۱۳۴.
- گویا، زهرا. (۱۳۸۹). نقد و بررسی حوزه یادگیری ریاضی در سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، دوره ۵، شماره ۱۸، ۱۶۴-۱۴۷.
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۰). وزارت آموزش و پرورش. تهران

- مدد لو، قهرمان؛ سعادت‌مند، زهره؛ یارمحمدیان، محمد حسین. (۱۳۹۸). شناخت مولفه‌های مشارکت والدین در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی. *فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، سال دهم، شماره ۴، پیاپی ۴۰، ۲۳۴-۲۵۱.
- مظاهری، حسن؛ موسی پور، نعمت‌الله؛ ناطقی، فائزه. (۱۳۹۵). نقش خانواده در برنامه درسی شایستگی-محور دوره ابتدایی از منظر اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، شماره ۳۴، ۳۴-۷.
- ملکی، حسن. (۱۳۸۹). نقد و ارزیابی مبانی برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس "شاخص‌های فطرت". *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، دوره ۵، شماره ۱۸، ۳۲-۶۱.
- موسی پور، نعمت‌الله؛ صابری اناری، سید حسین. (۱۳۸۹). ارزش‌یابی استلزامات و اقتضائات اجرایی برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، دوره ۵، شماره ۱۸، ۸۸-۶۲.
- مهرمحمدی، محمود. (۱۳۸۹). نقدی و نظری بر نگاهت سوم سند "برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران". *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، دوره ۵، شماره ۱۸، ۳۱-۸.
- نوروز نژاد قادی، محمد؛ سراجی، فرهاد. (۱۳۹۵). تبیین مشارکت والدین در برنامه درسی مدارس. چهاردهمین همایش سالانه انجمن مطالعات برنامه درسی ایران. دانشگاه بوعلی سینا همدان. ۱۰-۱.
- وحدتی، سعیده؛ حجت خواه، سید محسن؛ رشیدی، علیرضا. (۱۳۹۵). پیش‌بینی سازگاری تحصیلی بر اساس خودپنداره تحصیلی با میانجیگری انسجام خانواده. *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه تربیتی*. سال یازدهم، شماره ۴۸، ۱۳۳-۱۱۷.

Finders, Margaret. lewis, cynta (1994). wy some parents don't come to shool. education for diversity .vol ,51. number 8. pp,50-54

Geyser, hc(1998)parent involvement in curriculum development , Available: http: ujcontent.uj.ac.za.. Last Visited:2020/4/11

Gust post (2016) .strategies to involve parents in children education. Available: http:teach .com. Last Visited:2020/5/6

Kolambe , Pooja. (2020). Role of parents and teachers in a child's life. Availablehttps:// www. thegaudium.com/role-parents-teachers-childs-life. Last Visited:2020/3/11

Love, H.R ; Zagona, A.L ; Kurth, J.A; Miller, A.L. (2017). Parents' Experiences in Educational Decision Making for Children and Youth With Disabilities. Availablehttps://meridian.allenpress.com/inclusion/article-abstract. 5 (3): 158-172. Last Visited: 2020/3/27

Ntekane, abie. (2018). parental involvement in education. Availablehttps://www. researchgate.net. Last Visited:2020/2/14

Chen ,Grac (2018).parental involvement is key to student success .Availablehttp: public school review.com. Last Visited:2020/3/11

Olibie, Eyiucheifeoma (2014) parental involvement in curriculum as perceived by Nigeria secondary school principals journal of education and learning .vol.3.no,1:pp 39-51

Ornesstein, A. Hunkins, F.P. (2009). curriculum foundation principles and issues, Boston, Allyn and Bocon

Wilcox, Preston. (1972). Parental Decision-Making: An Educational Necessity. 178-182. Published online: 05 Nov 2009. Available <https://www.tandfonline.com>. *Last Visited: 2020/3/27*